

## خبر

خاطره

## قتل مزاحم یک زن

**محمد حسین شالمو - باز پرس سابق جنایی** مجرم‌ها همیشه در صحنه‌های جنایت سرنخ‌هایی از خود به جا می‌گذارند که با کشف این سرنخ‌ها می‌توان آن‌ها را شناسایی کرد. شاید این سرنخ‌ها به ظاهر اهمیت زیادی نداشته باشند ولی بسیاری از پرونده‌های جنایی با همین سرنخ‌های کوچک کشف شده‌است.

اواخر سال ۷۸ که قاضی تحقیق در دادگستری اصفهان بودم خبر کشف جسد مهندس ۴۳ ساله‌ای در آپار تمانش به من اعلام شد. وقتی برای بررسی صحنه جنایت به محل رفتم با توجه به بوی تعفن شدید جسد که دو هفته از مرگ آن می‌گذشت نتوانستیم وارد شویم و با پلمب خانه، روز بعد با تجهیزات تنفسی به سر صحنه جنایت رفتم. مقتول مرد ۴۳ ساله‌ای بود که به تنهایی در این آپار تمان زندگی می‌کرد و به وسیله طناب داخل حمام خفه شده‌بود قاتلان با کشیدن کیسه نایلونی بر سر مقتول شیر گاز خانه‌را باز کرده‌بودند و اقدامات زیادی انجام داده بودند تا جسد زودتر متعفن و متلاشی شود.

برادر مقتول که جسد او را پیدا کرده بود در تحقیقات گفت: برادر م مجرد بود و به تنهایی در این آپار تمان زندگی می‌کرد. از دو هفته قبل از او بی‌خبر بودم هیچ تماسی با یکدیگر نداشتیم تااین‌وقت و وقتی امروز برای دیدن او به آپار تمانش آمدم با بوی تعفن شدیدی که از آپار تمانش به مشام رسید احتمال دادم اتفاقی افتاده‌است وپس از باز کردن در آپار تمان با جسد او مواجه شدم.

با انجام این تحقیقات، تمام آپار تمان را برای پیدا کردن سرنخ جست‌وجو کردیم در یکی از اتاق‌ها ته سیگاری با مارک کنت پیدا کردم. بلافاصله آلوم عکس‌های مقتول را جست‌وجو کرد م در میان آن‌ها عکس دختر جوانی را که احتمال می‌دادم ارتباطی بااین قتل داشته باشد برداشتم. از برادر مقتول در باره ارتباط‌های برادرش تحقیق کردم و او گفت: چندی قبل وقتی می‌خواستم برای مأموریتی به تهران بروم در فرودگاه برادر م را همراه دختر بی‌جهان دیدم و او گفت این دختر کارمند بیمارستان ست و یکی از دوستانم از من خواسته تا او را به دبی ببرم و به یکی از بیمارستان‌ها معرفی کنم.

بلافاصله دستور دادم تا این دختر شناسایی و بازداشت شود وپس از چند روز وقتی این دختر بازداشت شد با نشان دادن عکس از او خواستم هر گونه اطلاعاتی دارد در اختیار من قرار دهد. او با اعلام این‌که این دختر انمی‌شناسد سرنخ دیگری به ما داد و گفت: یک روز وقتی با مهندس سوار خودرویش شده‌بودم به‌طور اتفاقی داخل داشبورد یک پاکت سیگار کنت پیدا کردم و از آن جایی که می‌دانستم او سیگار نمی‌کشد از او پرسیدم سیگار برای کیست و او گفت: سیگار برای آن جوانی است که قرار است امشب به خانه او بیاید.

از این دختر خواستم تا اگر نشانه‌ای از آن زن دارد بگوید و او گفت: من هرگز او را ندیده‌ام و فقط می‌دانم نام او مریم است و پدرش در شرکت مخابرات کار می‌کند. از آن جایی که می‌دانستم لحظه به لحظه به قاتل نزدیک تر شده‌ایم، دستور دادم تا پرونده تمام کارکنان مخابرات را بررسی کنند و پرونده کارمندانی را که دختری به نام مریم دارند، در اختیارم قرار دهند. بعد از چند ساعت تلاش ما نتیجه داد و با شناسایی یکی از کارمندان که نام دخترش مریم بود از او درباره دختری تحقیق کردیم و او گفت دادگاه اهل کشور امارات است و چند روز قبل از عید به خانه ما آمدند ولی چندروز بعد بدون خدا حافظی و به‌طور ناگهانی ما را ترک کردند و نزد اقوامشان در قشمر رفتند. از آن جایی که خودروی پیکان مقتول نیز از روز جنایت ناپدید شده بود و با توجه به این تحقیقات مطمئن شدیم که قاتل این زن و شوهر هستند.

بلافاصله با دادن نیابت قضایی، تیمی از ماموران

را به قشم اعزام کردیم و ماموران پس از کشف خودروی مقتول در نزدیکی محل سکونت این زوج

آن‌ها را بازداشت کردند.

این زن و شوهر پس از بازداشت در همان مرحله اول تحقیقات به جنایت اعتراف کردند.

زن جوان در بازجویی‌ها گفت: مدت‌ها قبل به خاطر مسائل کاری با مقتول آشنا شدم و با او رابطه برقرار کردم و او نیز از من قیلم تهیه کرد و هر بار نیز با تهدید به توزیع فیلم از من می‌خواست تا با او رابطه‌را ادامه دهم. من به ناچار تسلیم خواسته‌های او شدم و در یکی از روزها در حالی که افسره بودم همسر م که تبعه امارات است با اصرار از من خواست علت افسردگی‌ام را به او بگویم و من نیز تمام ماجرا را به او گفتم. همسر م از من خواست تا با طرح نقشه‌ای، مرد مزاحم را به قتل برسانیم. پس از تهیه طناب به آپارتمان او رفتم وپس از خفه کردن او جسدش را داخل حمام انداختم و تمام جاهایی را که امکان می‌دادیم اثر انگشت مان باشد با نوشابه شستیم. پس از آن با خیالی راحت سیگار کشیدم و با باز کردن گاز آن جار اتک کردیم. با اعتراف این زوج پرونده آن‌ها را تکمیل کردم و از این‌که توانستیم با کوچک‌ترین سرنخ این جنایت را کشف و عاملان آن را دستگیر کنیم خوشحال هستم.

## تحلیل کارشناس

مردی جوان که عاشق یک دختر جوان شده بود با یک نقشه فریبکارانه و دادن قرص برنج به زندگی زنش پایان داد.
■ **خودکشی زن؟**
ساعت ۳ بعد از ظهر ۲۹ آذر امسال، مسئولان بیمارستان بهار لودر تماس با ماموران کلانتری ۱۱۵ رازی از مرگ مر موز زن جوانی روی تخت بیمارستان خبر دادند و ماموران با حضور در بیمارستان اطلاع یافتند که این زن با خوردن قرص به زندگی خود پایان داده‌است.

با توجه به مر موز بودن مرگ زن ۳۰ ساله، تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبانی برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند و جسد زن جوان نیز برای بررسی های بیشتر به پزشکی قانونی منتقل شد.

کارشناسان پزشکی قانونی در این مرحله مرگ زن جوان را خوردن قرص برنج اعلام کردند و شوهر این زن در تجسس های پلیسی ادعا کرد که همسرش داروهای گیاهی می خورد و نمی داند چرا همسرش قرص برنج خورده است.

■ **خودکشی شوهر**

تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این که ماموران اطلاع یافتند مرد ۳۳ ساله نیز پس از ۱۵ روز از مرگ همسرش دست به خودکشی زده که با تلاش پزشکان از مرگ نجات پیدا کرده‌است. کارآگاهان با توجه به مر موز بودن این اتفاقات، تجسس های میدانی را آغاز کردند و پی بردند که فرید از چندی قبل با یک دختر جوان که

### تحلیل کارشناس

## ترس از برچسب زدن عامل تحمل زندگی نابه سامان

**د کتر قربانعلی ابراهیمی – جامعه شناس و استاد دانشگاه**
برخی افراد که از زندگی اول خودراضی نیستندو کارشان به طلاق و جدایی کشیده‌می‌شوددر انتخاب همسر زندگی مشترک دوم ممکن است دچار وسواس‌هایی شوند که این حساسیت‌ها نیز برای شان دردسر ساز باشد. بر اساس تحقیقات جامعه‌شناختی برخی افراد در ازدواج دوم نیز دچار اشتباهات غیر قابل جبرانی می‌شوند که ممکن است تا آخر عمر

در همسایگی مغازه برادر فرید صندوقدار یک کبابی است، آشنا شده و قصد ازدواج با او را داشته‌است.

همین سرنخ کافی بود تا ماجرای قتل زن جوان از سوی شوهرش در دستور کار ماموران قرار گیردو تیم پلیسی به دستور بازپرس پرونده، فرید را دستگیر کرد.

فریدابتدا مرگ زنش را یک خودکشی اعلام کرد اما وقتی در تناقض گویی‌ها گرفتار شد و دیدر از دوستی و تصمیم به ازدواج با دختر جوان فاش شده‌است به ناچار دست به افشای‌گری زد.

■ **اعتراف به قتل**

پسر جوان در اعترافش گفت: زنم، دخترعمویم بود و قبل از ازدواج با من یک نامزد داشت که به دلیل اختلافاتی که با هم داشتند از هم جدا شدند و بعد از آن ما جرایا هم ازدواج کردیم.

وی افزود: مدتی بود که با دختری جوان که لیسانس تجهیزات پزشکی دارد و صندوقدار یک کبابی است آشنا شدم، دوستی ما هر روز عاشقانه تر شد و تصمیم گرفتم با او ازدواج کنم اما همسر مبه خاطر این که یک بار ازدواج ناموفق داشت حاضر نبود از من طلاق بگیرد و این در حالی بود که هیچ احساسی در زندگی ما وجود نداشت و نمی‌خواستم به این زندگی ادامه دهم. عامل این جنایت ادامه داد: مدتی گذشت و چند بار تصمیم به قتل او گرفتم اما موفق نشدم تا این که قرص برنج را پودر کردم و داخل یک کیسول ریختم و به عنوان قرص آرامبخش و تصمیم دارد برای همسر م دادم که بعد از خوردن قرص حال زنم

زندگی مشترک شان را تابه کند و به یک زندگی اجباری و تحمیلی رضایت بدهند و با تمام مشکلاتی که در این زندگی تحمل می‌کنند، نمی‌خواهند بگریزند.

ازدواج های احساسی و منطقی در زندگی مشترک دوم که بر اساس روابط دوستی شکل می‌گیرد گاهی ممکن است به طلاق عاطفی و رسمی کشیده شود اما این زنان و مردان زندگی مشترک دوم را با تمام مصائب تحمل می‌کنند تا از برچسب و انگ نجات پیدا کنند. افراط و تفریط و سر درگمی در ازدواج دوم و به خرج دادن حساسیت های فکری و ذهنی اغلب افراد را در انتخاب کور می‌کند و بر اساس منطق و استدلال خود تصمیم به ازدواج می‌گیرند و

وقتی بشیمان می‌شوند که دیگری بی‌فایده‌است و به خاطر تهمت‌ها و حرف و حدیث‌ها زندگی مشترک دوم را تحمل می‌کنند ورنج می‌کشند ولی به طلاق رسمی رضایت نمی‌دهند و اغلب این افراد با وجود این که با یک نفر به عنوان شریک زندگی زیر یک سقف قرار دارند هیچ دلخوشی به این زندگی ندارند و فقط از روی اجبار تحمل می‌کنند و به همین دلیل است که به خودکشی، همسرکشی، قتل یا خیانت روی می‌آورند و ناخواسته مجرم می‌شوند. اهمیت به اولویت‌ها، معیارها و ملاک‌های ازدواج اگر درست باشد به‌طور قطع زندگی مشترک با خطاها و اشتباهات کمتری روبه‌روست و کمتر شاهد طلاق رسمی و عاطفی خواهیم بود ولی

# دختر نوجوان از قاتل پدرش گذشت کرد

قربانی، تنها دختر ۱۴ ساله مقتول است که معاون اول قوه قضاییه از طرف وی در خواست دیه کرده‌است. حالا با توجه به مدارک موجود در پرونده از جنبه عمومی جرم برای متهم تقاضای مجازات دارم.

■ **بخشش دختر قربانی**

سپس دختر نوجوان قربانی که در دادگاه حاضر بود روبه روی قضات ایستاد و گفت: اگر قانون به من اجازه می‌داد تا از طرف خودم برای قاتل پدرم مجازات درخواست کنم برای این مامور پلیس در خواست قصاص نمی‌کردم. او بعد از این که پدرم کشته شد به خانه ما آمد و اوضاع بد مالی ما را دید. به همین دلیل در این مدت به ما کمک مالی کرد و همه وسایلی را که من و مادر م در زمان حیات پدرم به آن نیاز داشتیم بر ایمان تهیه کرد. او چند بار مرا برای تفریح به بیرون برده و حتی به مدرسه ام نیز سرکشی کرده است. پدرم با مواد فروشی زندگی ما را می‌گذراند و حتی وسایل اولیه زندگی

## اصرار بر بی گناهی پسر عموها در جنایت خونین

شاکي رانمی شناسم و قبل‌آن‌ها را ندیده‌بودم. وقتی پسر عمویم مهدی به من زنگ زد و گفت، درگیری خیابانی رخ داده همراه او به خیابان رفتم و متوجه درگیری چند پسر جوان شدم. من در آن دعوا قهقهه و جاقو یا اسلحه ای در دست نداشتم و فقط چند سنگ به سمت طرفین دعوا پرتاب کردم. وی اظهارات تازه‌ای را مطرح کرد و گفت: صبح‌روز بعد از این ماجرا مادر خانه‌مان مهمان داشتیم که ماموران پلیس مقابل خانه ما آمدند و همه اعضای خانواده ما را به همراه مهمانان بازداشت کردند. من و برادر و پسر عمویم هم به خاطر مهمان‌ها تصمیم گرفتیم قتل را گردن بگیریم تا مهمان‌ها آزاد شوند. به همین دلیل به مشارکت در قتل اعتراف کردیم. جعفر نیز حرف‌های برادرش را تایید کرد و خودش را بی گناه خواند. وی گفت: مایب دلیل بازداشت شده ایم. وقتی نوبت دفاع به مهدی رسید گفت: من از بیجگی با امیر دوست بودم و هیچ خصومتی با او نداشتم. من نمی‌دانم در آن درگیری چه کسی امیر را کشت و احسان را زخمی کرد. من هم به خاطر مهمان‌های خانه عمویم تصمیم گرفتم به دروغ به قتل اعتراف کنم. با پایان اظهارات متهمان، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

## بررسی حوادث

# سناریوهای وحشتناک شوهر برای قتل همسر



سارا ادامه داد: مدتی گذشت و هر چه منتظر ماندم بی‌فایده بود. چندروز از فرید خبری نبود تا این‌که یک زن در نقش مادر فرید با من تماس گرفت و ادعا کرد که پسر و دختر دایی فرید فوت کرده‌اند و پس از پایان مراسم به خواستگاری ام می‌آیند که گویا واقعا بستگان فرید فوت کرده بودند و منتظر ماندم. سارا در خصوص این‌که از متاهل بودن فرید بی اطلاع بود گفت: فرید از صبح با من در تماس تلفنی و اینترنتی بود تا ساعت ۵ عصر و بعد هم که به خانه می‌رفت ادعا می‌کرد چون باید ساعت ۴ صبح از خواب بیدار شوم پیام می‌داد که زود می‌خواهد و من به این رفتارها هیچ وقت شک نکردم و حتی با هم تماس تصویری هم داشتیم و هیچ وقت متوجه نشدم او ازدواج کرده و متاهل است. وی افزود:

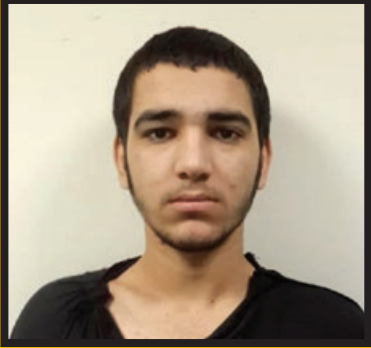
روزهای پایانی آذر بود، هر چه منتظر ماندم بی‌فایده بود. از فرید خواستم تکلیف ام را روشن کند و سر موضوع خواستگاری با هم بحث کردیم که در این صحنه فرید ادعا کرد متاهل است و متاسفانه برخی ازدواج‌های اجباری، تحمیلی و... که بدون شناخت کافی صورت می‌گیرد راهی جز انحرافات خانوادگی و اجتماعی ندارد. معمولاً وقتی افراد از زندگی اول جدا می‌شوند و طلاق می‌گیرند کمبودهای مختلف عاطفی، اجتماعی و اقتصادی دارند که هر کدام بر اساس خلأهای خود به سمت افرادی جذب می‌شوند که خلأهای شان را برطرف کنند. این قبیل ازدواج‌ها هیچ سرو سامانی ندارد و آینده‌ای برای آن‌ها ضمانت نخواهد شد برخی زنان نیز به دلیل توقعات بالایی که دارند می‌خواهند با ازدواج دوم به آرزوها، اهداف و آمال دست نیافته خود برسند که با زیاده خواهی نه تنها به اهداف خود نمی‌رسند بلکه زندگی

## ۹

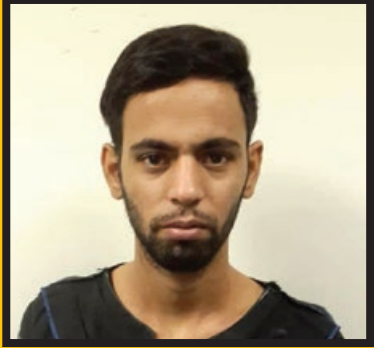
قصد دارد از همسرش جدا شود و منتظر است تا این جدایی رقم بخورد و بعد به خواستگاری ام بیاید اما شنیدم که همسرش حاضر به جدایی نیست. دختر جوان ادامه داد: از فرید شنیدم که قصد دارد همسرش را به قتل برساند، باور نمی‌کردم، یک بار ادعا کرد که در پیچه‌های کولر داخل خانه رابسته و لوله بخاری را جابه‌جا کرده است تا همسرش دچار گاز گرفتگی شود اما در نقشه‌اش تا کام مانده بود و یک بار هم داخل غذای همسرش سم ریخته‌اما به خاطر طعم تلخ غذا همسرش از خوردن غذا صرف نظر کرده بود. وی ادامه داد: حتی شنیدم فرید به دنبال یک نفر است که با پرداخت پول، همسرش را با خود روبرو بگیرد اما کسی را برای اجرای این نقشه پیدا نکرد بود. مدتی بود دیگر از او خبر نداشتم و باورش بر ایمن سخت بود که در این مدت بازی خوردم و مردود علاقه‌ام قصد دارد همسرش را به قتل برساند. سارا گفت: مدتی بود که از فرید خبر نداشتم و دیگر او را فراموش کرده بودم تا این‌که متوجه شدم همسرش خودکشی کرده‌است. شنیده‌بودم همسر فرید طلاق نمی‌گیرد چون یک بار از دواج ناموفق داشته و نمی‌خواهد بار دیگر طعم جدایی را حس کند و فکر می‌کردم به همین دلیل دست به خودکشی زده‌تا این‌که از سوی پلیس با خبر شدم که فرید دست به قتل همسرش زده‌است. بنا به این گزارش، فرید برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس پرونده در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار گرفته‌است.

مشترک دوم را برای خود و همسر تلخ و سیاه می‌کنند و برای دور ماندن از انگ و برچسب به طلاق مجدد رضایت نمی‌دهند ولی درگیر آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی بی‌شماری می‌شوند. ترس از تنهایی و کمبود عاطفی و رو به‌رو شدن با فشارهای اقتصادی برای زنانی که ازدواج دوم داشته‌اند از مسائل مهمی است که به طلاق رضایت نمی‌دهند و البته برخی مردان نیز به خاطر فرار از پرداخت مهریه و حق و حقوق همسر خود زندگی مشترک دوم را تحمل می‌کنند. یک ازدواج منطقی و سالم نیازمند در مقابل، احترام به باورها و ارزش‌های یکدیگر است که در کاهش و افزایش روند طلاق مؤثر است.

## اعترافات ۴ دزد مخوف در زورگیری‌های سریالی



دزدان انجام می‌شود، قوت گرفت. با انعکاس اطلاعات به دست آمده به بازپرس پرونده، دستور دستگیری فرشاد و دیگر همدستانش صادر شد و در ادامه تحقیقات، مخفیگاه فرشاد در شهر قم شناسایی شد. تیمی از کارآگاهان فرشاد و دیگر همدستانش را دهم دی در قم دستگیر و به پایگاه دوم منتقل کردند. فرشاد در اعترافات خود به کارآگاهان گفت: حدود سه ماه پیش با دیگر همدستانم که همشهری و بچه یک محل هستیم باندی را تشکیل دادیم. اولین سرقت را با خودروی خودم ولی دیگر سرقت‌ها را با خودروهای سرقتی انجام دادیم. اموال سرقتی را در محدوده مولوی به افراد ناشناس به قیمت نازل فروخته و پول به دست آمده را بین خودمان تقسیم و صرف خوشگذرانی می‌کردیم. وی با بیان این‌که کلیه اعضای این باند دستگیر شده‌اند و به ۳۰ زورگیری اعتراف کرده‌اند، تصریح کرد: دزدان بیشترین سوژه‌ها را در مناطق مختلف تهران به ویژه در محدوده های غرب و جنوب غرب تهران می‌تواری شدند. کارآگاهان پس از پایش‌های اطلاعاتی، پلاک خودروی سارقان را به دست آوردند و جوانی با نام «فرشاد ۲۰ ساله» در این زمینه شناسایی و مشخص شد پرونده‌های مشابه دیگری مبنی بر سرقت با خودروهای پژو ۲۰۶، پژو ۴۰۵ و پراید به پایگاه دوم ارسال شده که در بررسی‌های بیشتر مشخص شد خودروها سرقتی بوده‌است و فرضیه این‌که سرقت توسط همان



دزدانی که به بهانه مسافرکشی در محدوده غرب تهران زورگیری می‌کردند، بازداشت شدند. پلیس با انتشار عکس‌های گردانندگان این باند از کسانی که در دام آنان افتاده‌اند خواست تا به دادسرا مراجعه کنند. ساعت ۳ بعد از ظهر هفتم مهر مرد جوانی در تماس با پلیس ۱۱۰ از زورگیری چهار جوان سوار بر خودروی ال ۹۰ سفید رنگ در محدوده بزرگراه شهید فهمیده پرده برداشت. پس از بررسی‌های میدانی و با دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران ماموران پایگاه دوم پلیس آگاهی وارد عمل شدند. در این مرحله مردمال باخته به کارآگاهان گفت: من به‌عنوان مسافر در میدان آزادی سوار یک خودروی ال ۹۰ سفید که سه سرنشین داشت، شدم. پس از پشت سر گذاشتن مسافتی یکی از سرنشینان خودرو با تهدید جاقو همه مدارک، گوشی تلفن همراه گران قیمت و پول هایم را سرقت کرد و پس از آن من را در مکان خلوتی به بیرون از ماشین پرتاب کردند و همگی متواری شدند. کارآگاهان پس از پایش‌های اطلاعاتی، پلاک خودروی سارقان را به دست آوردند و جوانی با نام «فرشاد ۲۰ ساله» در این زمینه شناسایی و مشخص شد پرونده‌های مشابه دیگری مبنی بر سرقت با خودروهای پژو ۲۰۶، پژو ۴۰۵ و پراید به پایگاه دوم ارسال شده که در بررسی‌های بیشتر مشخص شد خودروها سرقتی بوده‌است و فرضیه این‌که سرقت توسط همان

